



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیریت تحصیلات تکمیلی  
پژوهشکده زبان‌شناسی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی گرایش همگانی

**عنوان پایان‌نامه:**

**بازداری در ساختواره زبان فارسی در چارچوب ساختواره واژگانی**

استاد راهنما:

دکتر سید مصطفی عاصی

استاد مشاور:

دکتر کنایون مزداپور

پژوهشگر:

مصطفی مهدوی

تابستان ۱۳۹۰



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیریت تحصیلات تکمیلی  
پژوهشکده زبان‌شناسی

هیات داوران در تاریخ.....

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی گرایش همگانی آقای مصطفی مهدوی

تحت عنوان:

## بازداری در ساختواژه زبان فارسی در چارچوب ساختواژه‌وارگانی

را بررسی کردند و پایان‌نامه با درجه‌ی به تصویب نهایی رسید.

- |      |   |
|------|---|
| امضا | ۱ - استاد راهنمای پایان‌نامه جناب آقای دکتر مصطفی عاصی با مرتبه علمی    |
| امضا | ۲ - استاد مشاور پایان‌نامه سرکار خانم دکتر کتایون مزداپور با مرتبه علمی |
| امضا | ۳ - استاد داور داخل گروه دکتر   |
| امضا | ۴ - استاد داور داخل گروه دکتر   |
| امضا | ۵ - استاد داور خارج از گروه دکتر  |
| امضا | ۶ - استاد داور خارج از گروه دکتر  |

امضای مدیر گروه

به جهان خرم از آنم

که جهان خرم از اوست

## تقدیر و تشکر

پژوهشی که در پیش رو دارید به بررسی بازداری در ساختواژه زبان فارسی در چارچوب ساختواژه واژگانی می‌پردازد.

از استاد بزرگوارم دکتر عاصی به خاطر راهنمایی‌های دلسوزانه‌شان و اینکه در این مدت همراه من بوده‌اند کمال تشکر را دارم چرا که نقش ایشان در پیشبرد این تحقیق بسیار با اهمیت بوده است و نمی‌توان به سادگی از زحمات و دلگرمی‌های اثربخش ایشان در اتمام این پژوهش گذشت.

از خانم کتایون مزداپور که نقش مشاور را در پیشبرد این پژوهش عهده‌دار بوده‌اند نهایت قدردانی و سپاس را دارم. نکات ارزنده‌ای که ایشان در خصوص پژوهش حاضر یادآور شدند و کتاب‌پربری که از ایشان در اختیار داشتم، تأثیر زیادی در پیشبرد بهتر و مؤثرتر این پژوهش به دنبال داشته است. انگیزه پرداختن به این حوزه را مدیون نوع نگاه ویژه این مشاور عزیز هستم.

از استاد بزرگوارم خانم دکتر قطره به خاطر کلاس‌های ساخت زبان فارسی نهایت سپاسگذاری را دارم.

از استاد ارجمندم آقای دکتر دبیرمقدم به خاطر کلاس‌های دستور گشتاری که همواره انگیزه‌بخش بوده است کمال تشکر را دارم.

از استاد بزرگوارم خانم دکتر کلباسی به خاطر کلاس‌های گویش‌شناسی و نکات ارزنده‌ای که با صبر و حوصله یادآور می‌شدند، بی‌نهایت سپاسگذارم.

از استاد محترم آقای دکتر صفارمقدم به خاطر تدریس اصول دستور زبان کمال تشکر و قدردانی را دارم.

از استاد ارجمندم دکتر مدرسی به خاطر حوصله و انگیزه‌بخشی قابل تقدیری که در تدریس واج‌شناسی داشتند، بسیار ممنونم.

از دوستان بسیار خوبم، خانم نیاز معصوم‌زاده، آقای مصطفی میرزاده، آقای حمید رضایی، خانم سحر والایی، آقای مجتبی کاوه، خانم صبا آقاشریف و آقای هادی احمدی که در دروه تحصیل همواره مشوق من بوده‌اند بسیار سپاسگزارم.

در پایان با وجود راهنمایی‌های دلسوزانه و نکات ارزنده‌ی اساتید ارجمندم در روند پیشبرد این پژوهش، تمامی کاستی‌ها و کمبودهای این اثر از آن نگارنده است. امید آن را دارم که این پژوهش راه را برای انجام تحقیق‌های بعدی، البته مؤثرتر و کامل‌تر، هموار سازد.

## چکیده

پژوهش حاضر به بررسی بازداری در ساختواژه زبان فارسی در چارچوب ساختواژه واژگانی می‌پردازد. بازداری پدیده‌ای در ساختواژه زبان است که ارتباط نزدیکی با زایایی فرایندهای ساختواژی دارد. زبان‌شناسان زیادی تاکنون به مسئله زایایی فرایندهای ساختواژی و محدودیت‌های آنها پرداخته‌اند و اصطلاح بازداری را برای آن محدودیت‌ها در نوشته‌های خود به کار برده‌اند. هیچ یک از پژوهش‌هایی که تاکنون در مورد بازداری یا محدودیت‌های زایایی فرایندهای ساختواژی در زبان فارسی انجام شده است در چارچوب ساختواژه واژگانی نبوده است. البته بحث زایایی و محدودیت‌های زایایی، که در این پژوهش بازداری نامیده شده است، در زبان فارسی چندان مورد توجه زبان‌شناسان نبوده و از مباحثی است که به تازگی مورد توجه زبان‌شناسان در ایران قرار گرفته است. این پژوهش به بررسی محدودیت‌های زایایی فرایندهای اشتقاقی و تصریفی به عنوان دو فرایند ساختواژی در زبان فارسی با توجه به پدیده بازداری و در قالب نظریه نوین ساختواژه واژگانی می‌پردازد که تاکنون از این دیدگاه پژوهشی در قالب مقاله یا پایان‌نامه انجام نشده است. نگارنده ابتدا داده‌های مربوطه را از پایگاه داده‌های زبان فارسی، فرهنگنامه فارسی، واژگان و اعلام صدری افشار و دیگران، و فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان دفترهای اول تا هشتم گردآوری کرده، سپس به بررسی رابطه بازداری میان آن فرایندها در چارچوب نظری یاد شده، پرداخته است. نتایجی که از این پژوهش به دست آمده، بدین قرارند: عواملی که زایایی فرایندها را محدود می‌کنند عوامل آوایی، ساختواژی، واژگانی و معنایی‌اند که در مجموع بازداری نامیده می‌شوند. با بهره‌گیری از امکانات نظریه ساختواژه واژگانی مانند ترتیب‌لایه‌ها، قرارداد و حذف قلاب و مفاهیم مرتبط با آن مانند شرط دیگرجایی، ترتیب درونی زمینه‌چینی و زمینه‌برچینی و مانند آن می‌توان بازداری در ساختواژه زبان فارسی را به طور منسجمی بررسی کرد. در نهایت، اینکه بازداری گرایشی عمومی در زبان است که ممکن است تحت تأثیر عواملی مانند برنامه‌ریزی زبان و یا نیازهای ارتباطی جدید نقض شود. نتایج این پژوهش می‌تواند در فرهنگ‌نگاری، دستورنویسی، زبان‌آموزی و همچنین در زبان‌شناسی همگانی به کار گرفته شود.

**کلیدواژه‌ها:** بازداری، ساختواژه، واژگان، ساختواژه واژگانی، فرایندهای اشتقاقی، فرایندهای تصریفی.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	تقدیر و تشکر .....
۵	چکیده .....

### فصل اول: کلیات

۲	۱-۱ مقدمه .....
۴	۲-۱ ضرورت انجام پژوهش .....
۶	۳-۱ پرسش‌های پژوهش .....
۶	۴-۱ فرضیه‌های پژوهش .....
۷	۵-۱ روش انجام پژوهش و قلمرو آن .....
۷	۶-۱ روش و ابزار گردآوری داده‌ها .....
۸	۷-۱ جنبه نوآوری پژوهش و استفاده‌کنندگان احتمالی آن .....
۹	۸-۱ اصطلاحات کلیدی پژوهش .....
۱۰	۹-۱ محدودیت‌های پژوهش .....

### فصل دوم: پیشینه پژوهش

۱۲	۱-۲ مقدمه .....
۱۲	۲-۲ پژوهش‌های زبان‌شناسان در ایران .....
۱۲	۱-۲-۲ کلباسی (۱۳۸۰) .....
۱۳	۲-۲-۲ عباسی (۱۳۸۴) .....
۱۶	۳-۲-۲ صفوی (۱۳۸۷) .....
۱۷	۴-۲-۲ شقاقی (۱۳۸۹) .....
۱۹	۳-۲ پژوهش‌های زبان‌شناسان در خارج از ایران .....
۱۹	۱-۳-۲ کیپارسکی (۱۹۸۲) .....
۲۲	۲-۳-۲ جنسن (۱۹۹۰) .....
۲۲	۳-۳-۲ آرونوف و فودمان (۲۰۰۵) .....
۲۴	۴-۳-۲ کاتامبا و استونام (۲۰۰۶) .....
۲۸	۴-۲ جمع‌بندی .....

## فصل سوم: روش شناسی و مبانی نظری

۳۲	۱-۳ مقدمه
۳۲	۲-۳ روش شناسی پژوهش
۳۳	۳-۳ مبانی نظری پژوهش
۳۳	۱-۳-۳ ساختواژه واژگانی
۳۴	۱-۱-۳-۳ ترتیب بیرونی و ترتیب درونی
۳۶	۲-۱-۳-۳ قرارداد حذف قلاب
۳۷	۲-۳-۳ زایایی فرایندهای ساختواژی
۳۸	۳-۳-۳ شرط دیگر جایی
۳۹	۴-۳-۳ هم معنایی
۴۰	۱-۴-۳-۳ اصل ممانعت از هم معنایی
۴۰	۵-۳-۳ واژگان
۴۱	۶-۳-۳ ساختواژه (صرف)
۴۲	۷-۳-۳ تکواژ و تکواژ گونه
۴۲	۱-۷-۳-۳ تکواژ گونه های مکمل
۴۳	۸-۳-۳ واژه، واژه انتزاعی و صورت واژه
۴۳	۹-۳-۳ فرایندهای ساختواژی
۴۴	۱۰-۳-۳ وند
۴۴	۱-۱۰-۳-۳ درون وند
۴۵	۴-۳ جمع بندی

## فصل چهارم: توصیف و تحلیل داده ها

۴۷	۱-۴ مقدمه
۴۷	۲-۴ محدودیت های زایایی فرایندهای ساختواژی
۴۸	۱-۲-۴ نمونه ای از یک عامل آوایی
۴۸	۲-۲-۴ نمونه ای از یک عامل ساختواژی
۴۸	۳-۲-۴ نمونه ای از یک عامل واژگانی
۴۹	۴-۲-۴ نمونه ای از یک عامل معنایی
۵۰	۳-۴ بازداري فرایندهای تصریفی در ساختواژه واژگانی
۵۰	۱-۳-۴ تکواژ گونه های جمع در زبان فارسی
۵۰	۱-۱-۳-۴ پسوند جمع «-ها»
۵۱	۲-۱-۳-۴ پسوند جمع «-ات»
۵۳	۳-۱-۳-۴ پسوند جمع «-ان»

۵۴	..... ۴-۱-۳-۴ پسوند جمع «-ین»
۵۵	..... ۵-۱-۳-۴ پسوند جمع «-ون»
۵۶	..... ۶-۱-۳-۴ جمع مکسر
۵۷	..... ۷-۱-۳-۴ واگرایی معنایی تکواژگونه‌های تصریفی جمع
۵۹	..... ۲-۳-۴ پسوندهای «-تر» و «-ترین»
۵۹	..... ۳-۳-۴ ستاک حال و گذشته فعل‌ها
۶۱	..... ۴-۴ بازداري فرايندهای اشتقاقی در ساختواژه واژگانی
۶۲	..... ۱-۴-۴ پسوندهای مکان در ساختواژه اشتقاقی
۶۴	..... ۲-۴-۴ پیشوندهای نفی در ساختواژه اشتقاقی
۶۷	..... ۳-۴-۴ ترتیب فرايندهای اشتقاقی
۶۸	..... ۱-۳-۴-۴ ترتیب بیرونی
۶۹	..... ۲-۳-۴-۴ ترتیب درونی
۶۹	..... ۱-۲-۳-۴-۴ زمینه‌چینی
۷۱	..... ۲-۲-۳-۴-۴ زمینه‌برچینی
۷۲	..... ۵-۴ عوامل نقض‌کننده بازداري فرايندهای ساختواژی
۷۲	..... ۱-۵-۴ تغییرپذیری میزان زایایی
۷۳	..... ۲-۵-۴ برنامه‌ریزی زبان
۷۳	..... ۳-۵-۴ واژگان ذهنی سخنگویان
۷۴	..... ۱-۳-۵-۴ بازتحلیل
۷۵	..... ۲-۳-۵-۴ خطاهای زبانی
۷۵	..... ۴-۵-۴ تابوی زبانی
۷۷	..... ۵-۵-۴ نیازهای ارتباطی جدید
۷۷	..... ۶-۴ جمع‌بندی

## فصل پنجم: نتیجه‌گیری

۷۹	..... ۱-۵ مقدمه
۸۰	..... ۲-۵ نتایج پژوهش
۸۳	..... ۳-۵ پیشنهادی برای پژوهش‌های آینده
۸۴	..... کتابنامه
۸۷	..... واژه‌نامه
۹۳	..... چکیده انگلیسی



فصل اول:

# کلیات

بازداری<sup>۱</sup> یکی از مسائل متداول در بررسی‌های ساختواژی زبان به شمار می‌رود و زبان‌شناسان درباره این جنبه از ساختواژه زبان دیدگاه‌های متفاوتی داشته‌اند. بازداری را آرونوف<sup>۲</sup> (۱۹۷۶) این گونه تعریف کرده است: «بودن یک صورت زبانی به دلیل وجود صورت زبانی دیگر». با مقایسه دو واژه زیر می‌توان تعریف فوق را شرح داد:

با اضافه کردن تکواژ<sup>۳</sup> «-پز» به واژه آش می‌توان واژه مرکب «آشپز» را به دست داد. اما اگر این تکواژ را با واژه «نان» ترکیب کنیم واژه‌ای که به دست می‌آید، با اینکه از نظر دستوری پذیرفتنی است، در زبان فارسی کاربردی ندارد. دلیل اینکه واژه «\*نانپز» در زبان فارسی کاربردی ندارد وجود واژه «نانوا» در زبان فارسی است که با واژه «\*نانپز» هم‌معنی است. در این حالت گفته می‌شود که صورت زبانی «نانوا» با حضور خود صورت فرضی «\*نانپز» را باز داشته است، در حالی که صورت زبانی دیگری در زبان فارسی وجود ندارد که از وجود واژه «آشپز» جلوگیری کند. از آنجا که تکواژ «-پز» در واژه‌های مشتق دیگر نیز مانند «کباب‌پز، پلوپز، آرام‌پز، آب‌پز، و بخارپز» یافت می‌شود، آن صورتی زبانی که با این تکواژ ساخته می‌شود صورت بی‌نشان<sup>۴</sup> و صورت زبانی دیگر که سبب بازداری است صورت نشاندار<sup>۵</sup> نامیده می‌شود.

بازداری، در حقیقت، اصطلاحی برای مجموع عواملی است که بر میزان عملکرد و زیایی<sup>۶</sup> فرایندهای ساختواژی و وقوع صورت‌های زبانی حاصل از این فرایندها اثر می‌گذارد. این عوامل، علاوه بر عامل واژگانی یادشده (وجود واژه‌ای هم‌معنی در زبان)، عوامل آوایی، ساختواژی و معنایی‌اند. نمونه‌ای از یک عامل معنایی: اگر دو صفت متضاد داشته باشیم، معمولاً پیشوند منفی‌ساز

<sup>1</sup> blocking

<sup>2</sup> Mark Aronoff

<sup>3</sup> morpheme

<sup>4</sup> unmarked

<sup>5</sup> marked

<sup>6</sup> productivity

«نا-» با صفتی می‌آید که معنای مثبت دارد. از بین دو صفت متقابل «کور» و «بینا» می‌توان با ترکیب پیشوند «نا-» با صفت «بینا» که معنای مثبت دارد صفت «نابینا» را ساخت؛ اما ترکیب این پیشوند با صفت «کور» واژه ناپذیرفتنی «\*ناکور» را در زبان فارسی به دست می‌دهد. در این گونه موارد صورتی که معنای مثبت دارد بی‌نشان و آن صورت دیگر نشاندار در نظر گرفته می‌شود و پیشوند منفی‌ساز با صورت بی‌نشان ترکیب می‌شود. این مثال نشان می‌دهد که عاملی معنایی از عملکرد یک فرایند ساختواژی (ترکیب پیشوند نا- با واژه کور) جلوگیری کرده است.

برخی از زبان‌شناسان بازداری را در قالب نظریه‌ای به نام ساختواژه واژگانی<sup>۱</sup> تبیین کرده‌اند. این نظریه به وجود لایه‌هایی سلسله‌مراتبی<sup>۲</sup> در واژگان<sup>۳</sup> قائل است که بر عملکرد فرایندهای واجی و ساختواژی تأثیر می‌گذارند و فرایندهای ساختواژی بر اساس ویژگی‌های زبانی خاصی به یکی از این لایه‌ها تعلق دارند. کاتامبا به وجود دو لایه<sup>۴</sup> در واژگان معتقد است: لایه<sup>۱</sup> که به تصریف<sup>۵</sup> و اشتقاق<sup>۶</sup> اشتقاق<sup>۶</sup> نامنظم اختصاص دارد و لایه<sup>۲</sup> که مختص به تصریف و اشتقاق منظم و ترکیب<sup>۷</sup> است. با در نظر گرفتن لایه‌های سلسله‌مراتبی و تعلق فرایندهای ساختواژی به این لایه‌ها می‌توان بازداری را با نگاه جدیدی بررسی کرد. زمانی که یک صورت زبانی در لایه<sup>۱</sup> با یک فرایند ساختواژی نامنظم ایجاد می‌شود از عملکرد فرایند ساختواژی منظم هم نوع آن در لایه<sup>۲</sup> جلوگیری می‌شود.

برای نمونه، واژه «خوب» را در نظر بگیرید. در زبان فارسی، برای ساختن صفت‌های برتر (تفضیلی) و برترین (عالی) از پسوندهای «-تر» و «-ترین» استفاده می‌شود که فرایندی منظم بوده و به لایه<sup>۱</sup> تعلق دارد؛ این در حالی است که صورت‌های برتر و برترین واژه «خوب» صورت‌های

---

<sup>1</sup> lexical morphology

<sup>2</sup> hierarchical strata

<sup>3</sup> lexicon

<sup>4</sup> stratum

<sup>5</sup> inflection

<sup>6</sup> derivation

<sup>7</sup> compounding

مکمل<sup>۱</sup> «بهرتر» و «بهترین» هستند و صورت‌های «خوب‌تر» و «خوب‌ترین» در زبان فارسی کاربرد عام ندارند. در این حالت گفته می‌شود که عملکرد یک فرایند ساختواژی نامنظم در لایه<sup>۱</sup> از عملکرد فرایند منظمی متعلق به لایه<sup>۲</sup>، یعنی افزودن «-تر» و «-ترین»، جلوگیری کرده است. بر این اساس، پژوهش حاضر به بررسی بازداری در ساختواژه زبان فارسی در چارچوب ساختواژه واژگانی می‌پردازد.

## ۲-۱ ضرورت انجام پژوهش

اگرچه فرهنگ‌نویسان سعی می‌کنند همه واژه‌های زبان فارسی را در فرهنگ‌های لغت فهرست کنند، بسیاری از نوواژه‌ها<sup>۲</sup>، یعنی واژه‌های جدیدی که سخنگویان با فرایندهای واژه‌سازی<sup>۳</sup> زایا می‌سازند، در فرهنگ‌ها وجود ندارد. واژه‌هایی که در فرهنگ‌های لغت ثبت می‌شوند اغلب تکواژهای بسیط و غیربسیطی را در بر می‌گیرند که معنایی قراردادی دارند، یعنی بر اساس واج‌ها (در مورد تکواژهای بسیط) و تکواژهای تشکیل‌دهنده آنها نمی‌توان به معنای آنها دست یافت و باید حفظ شوند. در مقابل، ضرورتی برای فهرست کردن واژه‌هایی که با فرایندهای واژه‌سازی زایای زبان ساخته می‌شوند، وجود ندارد زیرا فرایندهای واژه‌سازی زایا بر گروه مشخصی از تکواژهای واجد شرایط عمل می‌کنند و معمولاً معنایی قابل پیش‌بینی دارند. همچنین، معنای چنین واژه‌هایی با توجه به تکواژهای سازنده آنها قابل پیش‌بینی است و در واژگان ذهنی سخنگویان تنها فرایندهای واژه‌سازی زایای مربوط به آن واژه‌ها ذخیره شده است. برای نمونه، وندافزایی پیشوند صفت‌ساز «با-» بر تکواژهایی با مقوله صفت به عنوان فرایندی زایا در واژگان ذهنی سخنگویان زبان فارسی ثبت شده است و سخنگویان در صورت وجود نیازی ارتباطی از این فرایند واژه‌سازی برای ساختن واژه‌هایی مانند «بادب، باتدبیر، باسلیقه، باشاهمت، بامعنی، باوجدان و مانند آن» استفاده می‌کنند.

---

<sup>1</sup> suppletive forms

<sup>2</sup> neologism

<sup>3</sup> word formation processes

آنچه در اینجا درخور تأمل است میزان زایایی فرایندهای واژه‌سازی است زیرا فرایندهای زایا معمولاً بر تمام تکواژهای ممکن عمل نمی‌کنند؛ عوامل متعددی زایایی فرایندهای واژه‌سازی زایا را محدود می‌کند و عملکردشان در بیشتر موارد با استثناهایی همراه است. بنابراین، باید در نظر داشت اگر یک فرایند واژه‌سازی از زایایی بسیار بالایی برخوردار باشد باز هم ممکن است تمام موارد کاربرد آن به دلیل وجود نداشتن نیازی ارتباطی یا وجود محدودیتی در زبان بالفعل نشده باشد، یعنی در واژگان ذهنی هیچ یک از سخنگویان وجود نداشته و به واژه‌های بالقوه زبان تعلق داشته باشد. همچنین، ممکن است برخی از موارد کاربرد فرایندی زایا با محدودیت‌های واج‌آرایی یا تکواژ آرایی زبان تطابق نداشته باشد و بدساخت تلقی شود.<sup>۱</sup> عواملی که زایایی فرایندها را محدود می‌کنند در این پژوهش با عنوان فرایند بازداری بررسی می‌شوند. با این بررسی می‌توان گستره کاربرد فرایندهای واژه‌سازی را در زبان فارسی مشخص کرد که در فرهنگ‌نویسی بسیار مفید واقع خواهد شد.

در ساختواژه‌تصریفی نیز می‌توان از زایایی فرایندها سخن گفت. فرایندهای تصریفی نسبت به فرایندهای اشتقاقی بسیار زیاترند و بر مقوله‌های دستوری مشخصی عمل می‌کنند، مانند فرایند تصریفی افزودن پسوند «-تر» به صفت‌ها برای ساختن صفت برتر (تفضیلی). با وجود زایایی بسیار، سخنگویان در تصریف واژه‌ها نیز با استثناهایی مواجه‌اند که به صورت اطلاعات ساختواژی یا نحوی برخی از تکواژهای زبان در واژگان ذهنی آنها فهرست شده‌اند. زایایی موارد استثنا از واژگان ذهنی، چه در ساختواژه‌تصریفی و چه در ساختواژه‌اشتقاقی، چندان آسان نیست و زبان‌آموزان و سخنگویان بومی یک زبان گاهی (در کنش گفتار) در این گونه موارد دچار اشتباه می‌شوند؛ آنها در زایایی محدودیت‌های برخی فرایندهای ساختواژی دچار مشکل می‌شوند و صورت‌هایی را ایجاد می‌کنند که در زبان پذیرفتنی نیستند. با بررسی محدودیت‌های فرایندهای ساختواژی (فرایندهای اشتقاقی و

---

<sup>۱</sup> در این پژوهش واژه‌های بدساخت که در واژگان ذهنی فارسی‌زبانان وجود ندارند با گذاشتن ستاره‌ای در آغازشان متمایز زبان شده‌اند.

تصریفی) می‌توان به زبان‌آموزان و سخنگویان زبان فارسی در یادگیری و بازیابی هرچه آسان‌تر این فرایندها و محدودیت‌های آنها کمک کرد.

همچنین، با انجام این پژوهش می‌توان کارایی نظریه ساختواژه‌ها و واژگانی را در بررسی بازداری در زبان فارسی محک زد و به نقاط ضعف و قوت این نظریه پی برد.

### ۱-۳ پرسش‌های پژوهش

پرسش ۱: چه عواملی زایایی فرایندهای ساختواژی و وقوع صورت‌های زبانی حاصل از این فرایندها را محدود می‌کنند؟

پرسش ۲: آیا نظریه ساختواژه‌ها و واژگانی امکانات لازم برای بررسی بازداری در ساختواژه‌ها زبان فارسی را دارد؟

پرسش ۳: میزان قطعیت رابطه بازداری میان فرایندهای ساختواژی در زبان فارسی چگونه است؟

### ۱-۴ فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱: عواملی که بر میزان عملکرد و زایایی فرایندهای ساختواژی و وقوع صورت‌های زبانی حاصل از این فرایندها اثر می‌گذارند عوامل آوایی / واجی، ساختواژی، واژگانی، و معنایی‌اند.

فرضیه ۲: چارچوبی که این نظریه برای بررسی واژگان و ساختواژه‌ها زبان ارائه می‌دهد مختص زبان خاصی نیست و می‌توان از این نظریه برای بررسی بازداری در زبان فارسی نیز بهره برد اما ممکن است در زبان فارسی به‌طور کامل تعمیم‌پذیر نباشد.

فرضیه ۳: رابطه بازداری میان فرایندهای تصریفی قطعیت بالایی دارد، اما میان فرایندهای اشتقاقی تنها گرایش عمومی در زبان است.

## ۱-۵ روش انجام پژوهش و قلمرو آن

با توجه به اینکه پژوهش حاضر یک بررسی زبان‌شناختی است روش توصیفی و تحلیلی برای بررسی داده‌های پژوهش مناسب است. به بیانی دقیق‌تر، بعد از گردآوری داده‌های مربوط به فرایندهای ساختوازی به دو روش پیکره‌ای و کتابخانه‌ای، رابطه بازداری میان فرایندهای تصریفی و اشتقاقی در چارچوب ساختوازه واژگانی توصیف و تحلیل می‌شود. در دو روش گردآوری داده‌ها از پایگاه داده‌های زبان فارسی<sup>۱</sup>، فرهنگامه فارسی: واژگان و اعلام به تألیف صدری افشار، نسرین حکمی و نسترن حکمی (۱۳۸۸) در سه جلد و فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان دفترهای اول تا هشتم استفاده می‌شود. این پژوهش از نظر زمانی فارسی معاصر (از قرن چهاردهم تا امروز) و از نظر مکانی فارسی رایج در تهران و گونه‌های نوشتاری و گفتاری رسمی و محاوره‌ای را در بر می‌گیرد. قلمرو موضوعی پژوهش بررسی بازداری فرایندهای اشتقاقی و تصریفی در ساختوازه زبان فارسی در چارچوب ساختوازه واژگانی است.

## ۱-۶ روش و ابزار گردآوری داده‌ها

نگارش پیشینه و مبانی نظری پژوهش به روش کتابخانه‌ای و گردآوری داده‌های پژوهش به دو روش کتابخانه‌ای و پیکره‌ای است. در روش پیکره‌ای گردآوری داده‌ها از پایگاه داده‌های زبان فارسی استفاده می‌شود. این پایگاه نمونه‌هایی واقعی از کاربرد زبان را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد، همچنین امکانات متنوعی دارد و از بین امکانات موجود، فهرست بسامدی واژه‌ها در گردآوری داده‌های این پژوهش کاربرد بیشتری دارد. به خصوص برای تعیین بالقوه یا بالفعل بودن برخی

<sup>1</sup> Persian Linguistic Database

صورت‌ها در هنگام وقوع بازداری یا نقض بازداری از فهرست بسامدی واژه‌ها استفاده می‌شود. گردآوری داده‌های مربوط به فرایندهای اشتقاقی به دو روش پیکره‌ای و کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد؛ در روش پیکره‌ای، با بهره‌گیری از فهرست بسامدی واژه‌ها، صورت‌های مشتق از پایگاه داده‌ها استخراج و بر اساس فرایندهای اشتقاقی سازنده‌شان دسته‌بندی می‌شوند. برای برخی از موارد کاربرد فرایندهای اشتقاقی از فرهنگ صدری افشار، نسرین حکمی و نسترن حکمی (۱۳۸۸)<sup>۱</sup> و فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان دفترهای اول تا هشتم استفاده می‌شود.

بعد از گردآوری داده‌ها، محدوده عملکرد فرایندهای ساختوازی با توجه به داده‌ها توصیف می‌شود و محدودیت‌های عملکرد آن فرایندها با توجه به پدیده بازداری و در چارچوب ساختواژه واژگانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۱-۷ جنبه نوآوری پژوهش و استفاده‌کنندگان احتمالی آن

در این پژوهش محدودیت‌های زبانی فرایندهای اشتقاقی و تصریفی به عنوان دو فرایند ساختوازی در زبان فارسی با توجه به پدیده بازداری و در قالب نظریه ساختواژه واژگانی بررسی شده و رابطه بازداری میان این فرایندها توصیف و تحلیل می‌شود. تاکنون از این دیدگاه چنین پژوهشی به صورت مقاله یا پایان‌نامه انجام نشده است و نتایج آن می‌تواند در فرهنگ‌نگاری، دستورنویسی، زبان‌آموزی و همچنین در زبان‌شناسی همگانی به کار گرفته شود. بنابراین، فرهنگ‌نگاران، دستورنویسان، نوآموزان زبان فارسی و همچنین زبان‌شناسان می‌توانند از این پژوهش برای انجام پژوهش‌های بعدی استفاده کنند.

---

<sup>۱</sup> این فرهنگ به این دلیل که تعریف‌های بسیار دقیقی ارائه داده و بیشتر واژه‌های جدید فارسی معیار را نیز شامل می‌شود، مرجعی مناسب برای پژوهش‌های زبانی است.



## ۱-۸ اصطلاحات کلیدی پژوهش

**بازداری:** میزان زایایی همه فرایندهای صرفی یکسان نیست و یکی از علل اصلی آن حضور یا وجود واژه‌ای برای مفهوم مورد نظر گویشوران است که مانع از عملکرد فرایندهای ساختواری بر برخی پایه‌های محتمل می‌گردد. اسم‌هایی چون «[دو]اسم، [دوخت]اسم و [ریستن]اسم» ریشه فعلی دارند و احتمالاً حضور آنها در زبان فارسی مانع از افزایش وند اشتقاقی «-ش» به ستاک حال فعل‌های «دویدن، دوختن و ریستن (ریسیدن)» شده است (شقاقی، ۱۳۸۹: ۴۷، ۴۸).

**ساختواژه<sup>۱</sup> (صرف):** یکی از زیرنظام‌ها یا حوزه‌های زبان، حوزه صرف است. حوزه صرف از یک سو به چگونگی شکل‌گیری واژه‌ها از اجزای سازنده آنها یعنی تکواژها می‌پردازد، و از سوی دیگر بر چگونگی شرکت جستن واژه‌ها در ساخت‌های واژگانی بزرگ‌تر نظارت می‌کند (افراشی، ۱۳۸۹: ۶۳).

**واژگان:** فهرستی از تکواژهای یک زبان به همراه اطلاعاتی آوایی، واجی، ساختواری، نحوی، معنایی و کاربردشناختی مربوط به هریک از تکواژها را واژگان یک زبان نامند که به صورت یک فرهنگ لغت در ذهن سخنگویان قرار دارد. به بیانی دیگر، واژگان دانش ذهنی سخنگویان از واژه‌های زبانی خاص و اطلاعات مرتبط با آن واژه‌هاست.

**ساختواژه و واژگانی:** در مدل واج‌شناسی واژگانی<sup>۲</sup> (همان ساختواژه و واژگانی) واژگان به دو بخش واژگانی و پساواژگانی تقسیم می‌شود. نوآوری اصلی این مدل این است که با عملکرد قاعده‌های ساختواری در بخش واژگانی قاعده‌های واجی مرتبط با هر قاعده ساختواری فعال می‌شود. برخی از قاعده‌های واجی نیز در بخش پساواژگانی و هنگامی که واژه‌ها در گروه‌های نحوی قرار گرفتند، عمل می‌کنند (کار، ۱۹۹۳: ۱۷۴).

<sup>۱</sup> morphology

<sup>۲</sup> lexical phonology

فرایندهای اشتقاقی<sup>۱</sup>: فرایندهایی که واژه‌های جدید در زبان از طریق آنها ساخته می‌شوند فرایندهای اشتقاقی نام دارند. این فرایندها وندهای اشتقاقی را شامل می‌شوند که با افزودن آنها به دیگر تکواژها/ واژه‌ها می‌توان واژه‌های جدیدی خلق کرد. برای نمونه می‌توان با افزودن پسوند «-مند» به واژه «کار» واژه جدید «کارمند» را ایجاد کرد.

فرایندهای تصریفی<sup>۲</sup>: فرایندهای تصریفی فرایندهایی هستند که صورت‌های دستوری واژه‌های زبان را ایجاد می‌کنند. با این فرایندها نمی‌توان واژه جدیدی ایجاد کرد، اما می‌توان معنی‌هایی دستوری مانند مفرد یا جمع، زمان، مالکیت و مانند این‌ها را در واژه‌های زبان نشان داد. برای نمونه، با افزودن پسوند جمع «-ها» به واژه «کتاب» صورت جمع همان واژه، یعنی «کتاب‌ها»، به دست می‌آید.

#### ۱-۹ محدودیت‌های پژوهش

در این پژوهش، عواملی مانند کم بودن منابع فارسی مرتبط با موضوع تحقیق، در دسترس نبودن منابع انگلیسی مهم و اصلی مورد نیاز، جدید بودن مدل ساختواژه و آژگانی به عنوان چارچوب نظری پژوهش و اختلاف نظر زبان‌شناسان در مورد ساختار درونی آن موجب شد که انجام پژوهش گاهی با مشکل روبه‌رو شود.

---

<sup>1</sup> derivational processes

<sup>2</sup> inflectional processes

فصل دوم:

سلسله پژوهش

## ۱-۲ مقدمه

در این فصل، پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه موضوع پژوهش یا مرتبط با آن توسط زبان‌شناسان ایرانی و غیرایرانی انجام شده است، بیان می‌شود. ابتدا پژوهش‌های انجام‌شده در ایران در مورد بازداری و زایایی فرایندهای ساختوازی که توجه به آن برای تحلیل بازداری اجتناب‌ناپذیر است، ارائه می‌شود؛ عباسی (۱۳۸۴) از محدودیت‌های فرایند اشتقاق در زبان فارسی سخن می‌گوید و شقاقی (۱۳۸۹) بازداری را یکی از محدودیت‌های فرایندهای ساختوازی می‌داند. این آثار پژوهش‌هایی هستند که به طور مستقیم به بازداری می‌پردازند. بعد از آن، به آرای زبان‌شناسان غیرایرانی در مورد بازداری، مدل ساختوازه‌واژگانی و زایایی فرایندهای ساختوازی پرداخته می‌شود.

## ۲-۲ پژوهش‌های زبان‌شناسان در ایران

در این بخش پژوهش‌هایی که در ارتباط با بازداری در ایران صورت گرفته است، ارائه می‌شود. این پژوهش‌ها بدین قرارند: کلباسی (۱۳۸۰)، عباسی (۱۳۸۴)، صفوی (۱۳۸۷) و شقاقی (۱۳۸۹). از داده‌ها و نتایج حاصل از این پژوهش‌ها می‌توان برای بررسی بازداری فرایندهای ساختوازی در چارچوب ساختوازه‌واژگانی بهره برد.

### ۱-۲-۲ کلباسی (۱۳۸۰)

کلباسی بر این باور است که وندهای زبان فارسی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. وی دسته‌ای را که یکسره متروک و فراموش شده‌اند «مرده» می‌نامد، مانند /ā-/ در «آمدن، آرامیدن، آوردن»، /a-/ و /an-/ در a-marg (بی‌مرگ) و an-ōšag (انوشه)، /pa-/ در «پدید، پگاه»، /hu-/ در hu-ram